

VOCABULARY

TOEFL®

لغات و اصطلاحات تافل همراه با معنی

محمدعلی باباپور

۱	abroad	خارج - به خارج - در خارج
۲	abrupt	ناگهانی
۳	acceptable	قابل قبول
۴	acclaim	تحسین
۵	actually	در واقع - حقیقتاً
۶	adverse	نامطلوب
۷	advice	توصیه - نصیحت - پیشنهاد
۸	attractive	جذاب - گیرا
۹	autonomous	مستقل - خودمختار
۱۰	disapproval	ناخرسندی - مخالفت
۱۱	disruptive	مختل کننده - مخل
۱۲	haphazardly	تصادفی
۱۳	persistent	پایدار - دائم - ماندگار
۱۴	valid	معتبر - موثق
۱۵	withdraw	کنار کشیدن - برداشت کردن - خارج کردن
۱۶	advantage	مزیت - امتیاز
۱۷	advent	ورود - ظهور - پیدایش
۱۸	agile	چابک - فرز - چالاک
۱۹	albeit	اگر چه - گر چه
۲۰	appealing	جذاب - جالب
۲۱	celebrated	معروف - مشهور
۲۲	collide	برخورد کردن - به هم خوردن
۲۳	contemporary	معاصر
۲۴	distribute	توزیع کردن - پخش کردن
۲۵	encourage	تشویق کردن
۲۶	energetic	پر انرژی - سرحال
۲۷	frail	ضعیف - شکننده
۲۸	myth	افسانه - اسطوره
۲۹	refine	تصفیه کردن

۳۰	worthwhile	مفید - ارزشمند
۳۱	alter	تغییر دادن - تغییر کردن
۳۲	analyze	تجزیه تحلیل کردن
۳۳	ancient	باستانی - کهن - قدیمی
۳۴	annoying	آزار دهنده
۳۵	anticipate	انتظار داشتن - پیشگویی کردن
۳۶	conform	تطابق داشتن - هماهنگ بودن
۳۷	enrich	غنی ساختن - افزایش دادن
۳۸	intensify	تشدید کردن
۳۹	intolerable	غیر قابل تحمل
۴۰	ongoing	جاری - فعلی
۴۱	potential	استعداد - توانایی
۴۲	propose	پیشنهاد کردن - مطرح کردن
۴۳	restore	بازگرداندن - احیا کردن
۴۴	turbulent	آشفته - متلاطم - نابسامان
۴۵	vital	حیاتی - ضروری - اساسی
۴۶	ambiguous	مبهم - دوپهلو
۴۷	arbitrary	دلخواهانه - بدون برنامه ریزی - اختیاری
۴۸	assert	گفتن - اعلان کردن
۴۹	astounding	شگفت انگیز
۵۰	astute	تیز - زیرک - باهوش
۵۱	concur	موافق بودن - هم رای بودن
۵۲	deceptively	به طرز گول زننده
۵۳	designate	مشخص کردن - منصوب کردن
۵۴	determined	مصمم - قطعی
۵۵	elicit	بیرون کشیدن - استخراج کردن
۵۶	instigate	راه انداختن - باعث شدن
۵۷	petition	دادخواهی - خواهش
۵۸	relinquish	از دست دادن - رها ساختن
۵۹	resilient	سرسخت - مقاوم
۶۰	tempt	وسوسه کردن - تحریک کردن
۶۱	baffle	گیج ساختن - مبهوت ساختن
۶۲	bear	محصول دادن - ثمره دادن
۶۳	block	مسدود کردن - مانع شدن
۶۴	blur	تار ساختن
۶۵	brilliant	روشن - با استعداد - باهوش
۶۶	caution	اخطار دادن - هشدار دادن
۶۷	delicate	شکندنده - ظریف - حساس
۶۸	enhance	تقویت کردن - افزایش دادن
۶۹	incessant	بی وقفه - مداوم
۷۰	in conjunction	توأم با - در کنار
۷۱	intrigue	مجدوب ساختن
۷۲	obstruct	بند آوردن - مسدود کردن - متوقف ساختن

۷۳	persuade	متقاعد کردن
۷۴	shed	کنار گذاشتن - انداختن
۷۵	unique	منحصراً به فرد - بی نظیر
۷۶	well-suited	متناسب - هماهنگ
۷۷	chiefly	عمدتاً - اساساً
۷۸	coarse	خشن - زمخت - ناهموار
۷۹	commonplace	پیش پا افتاده - متداول
۸۰	comparatively	نسبتاً - تا حدی
۸۱	complex	پیچیده
۸۲	conventional	مرسوم - متداول
۸۳	curious	عجیب
۸۴	emit	ساطع کردن - بیرون دادن
۸۵	exceedingly	بیش از حد - بی نهایت
۸۶	exclusively	منحصراً - فقط
۸۷	immense	عظیم - حجیم
۸۸	rigid	سفت - سخت
۸۹	routinely	به طور منظم - معمولاً
۹۰	sufficiently	به اندازه کافی
۹۱	visibly	آشکاراً - به وضوح
۹۲	attribute	ویژگی - خصلت
۹۳	clarify	توضیح دادن - آشکار ساختن
۹۴	conceal	پنهان ساختن
۹۵	confirm	تایید کردن
۹۶	convenient	مناسب - در دسترس - آسان
۹۷	core	اصلی - عمده - هسته
۹۸	critical	بحرانی - خطرناک - ضروری
۹۹	distort	تحریف کردن
۱۰۰	diverse	گوناگون - متنوع
۱۰۱	eventually	سرانجام - بالاخره
۱۰۲	prosperous	شکوفای - پر رونق
۱۰۳	purposefully	عمداً
۱۰۴	reveal	آشکار ساختن - برملا ساختن
۱۰۵	scarcely	بندرت - به سختی
۱۰۶	theoretically	از نظر فنی - در حرف
۱۰۷	accelerate	شتاب دادن - شتاب گرفتن
۱۰۸	creep	خزیدن
۱۰۹	crush	آسیاب کردن - خرد کردن - کوبیدن
۱۱۰	cultivate	پرورش دادن - کاشتن
۱۱۱	dictate	دیکته کردن - تحمل کردن
۱۱۲	distinguish	تمیز دادن - تشخیص دادن
۱۱۳	engender	باعث شدن - بوجود آمدن
۱۱۴	engross	مغذوب کردن
۱۱۵	flaw	عیب - نقص

۱۱۶	harvest	گردآوری کردن - برداشت کردن
۱۱۷	mirror	منعکس کردن - نشان دادن
۱۱۸	obtain	بدست آوردن - کسب کردن
۱۱۹	particle	ذره - جز - پاره
۱۲۰	settle	اقامت کردن - حل و فصل کردن
۱۲۱	transport	انتقال دادن - جابجا کردن
۱۲۲	accurate	دقت - درست
۱۲۳	classify	دسته بندی کردن
۱۲۴	currency	پول رایج - ارز
۱۲۵	deep	عمیق - کامل - دقیق
۱۲۶	dense	غلیظ - متراکم
۱۲۷	dim	کم نور - ضعیف
۱۲۸	display	به نمایش گذاشتن
۱۲۹	exports	صادرات
۱۳۰	gigantic	عظیم - غول پیکر
۱۳۱	impressive	باشکوه - با ابهت
۱۳۲	install	نصب کردن - منصوب کردن
۱۳۳	lasting	بادوام - جاودانه - ماندگار
۱۳۴	treasury	خزانه
۱۳۵	straightforward	صریح - رک - آسان - ساده
۱۳۶	uniform	هماهنگ - یکنواخت
۱۳۷	vibrant	شاداب - با طراوت - روشن
۱۳۸	distinct	مشخص - متمایز - دقیق
۱۳۹	dominant	اصلی - عمده - غالب
۱۴۰	dormant	غیرفعال - خاموش
۱۴۱	drab	بی رنگ - بی روح
۱۴۲	dramatic	پرشور - پرهیجان
۱۴۳	eclectic	التقاطی - گلچین
۱۴۴	elaborate	پیچیده
۱۴۵	exceptional	عجیب و غریب - استثنائی
۱۴۶	hazardous	خطرناک
۱۴۷	minuscule	بسیار کوچک - ریز
۱۴۸	prime	آماده ساختن - اصلی - عمده
۱۴۹	rudimentary	ابتدایی - اولیه
۱۵۰	skeptical	شکاک - شکاکانه - ناباورانه
۱۵۱	superficial	سطحی
۱۵۲	vigorous	قوی - نیرومند
۱۵۳	amenity	آسایش - راحتی
۱۵۴	disperse	پراکنده ساختن
۱۵۵	dwelling	اسکان - مسکن - سکنی
۱۵۶	element	عنصر - جز - بخش
۱۵۷	elementary	اولیه - ابتدایی
۱۵۸	eliminate	حذف کردن

۱۵۹	emerge	ظاهر شدن - پیدار شدن
۱۶۰	emphasize	مورد تاکید قرار دادن
۱۶۱	encircle	احاطه کردن - حلقه زدن به دور
۱۶۲	erratic	ناهماهنگ - نامنظم
۱۶۳	exaggerate	غلو کردن
۱۶۴	justify	توجیه کردن
۱۶۵	mention	ذکر کردن - گفتن
۱۶۶	pervalent	متداول - معمول - شایع
۱۶۷	release	آزاد کردن - رها ساختن
۱۶۸	benefit	مفید بودن برای
۱۶۹	blind	ناآگاه - نابینا
۱۷۰	broaden	وسعت دادن
۱۷۱	burgeon	رونق گرفتن - ترقی کردن - شکوفا شدن
۱۷۲	conspicuously	به طرز قابل توجه - آشکارا
۱۷۳	endorse	تایید کردن - حمایت کردن از
۱۷۴	enormous	عظیم - بسیار زیاد
۱۷۵	entirely	کاملا - کلا
۱۷۶	erode	تحلیل رفتن - فرسوده شدن
۱۷۷	evaporate	ناپدید شدن - از بین رفتن
۱۷۸	noteworthy	شایان توجه - ارزشمند
۱۷۹	recover	باز یافتن
۱۸۰	reportedly	طبق گزارش
۱۸۱	shift	تغییر
۱۸۲	susceptible	آسیب پذیر - مستعد - پذیرا
۱۸۳	crucial	بسیار مهم - ضروری - لازم
۱۸۴	dignitary	شخص مهم و برجسته
۱۸۵	elude	گریختن
۱۸۶	evident	آشکار - واضح
۱۸۷	exhaust	به اتمام رساندن
۱۸۸	extensive	گسترده - وسیع
۱۸۹	face	روبرو شدن با - مواجه شدن با
۱۹۰	facet	جنبه - لحاظ - بعد
۱۹۱	idol	بت - صنم
۱۹۲	inaccessible	غیر قابل دسترس
۱۹۳	oblivious	بی توجه - بی اطلاع - غافل - بی خبر
۱۹۴	obviously	مسلما - قطعا
۱۹۵	offensive	توهین آمیز - زننده
۱۹۶	predictably	طبق انتظار
۱۹۷	suitable	مناسب - شایسته
۱۹۸	ample	کافی
۱۹۹	arid	خشک - بیابانی
۲۰۰	avert	دفع کردن - جلوگیری کردن
۲۰۱	defy	مقاومت کردن - تسلیم نشدن

۲۰۲	diligent	سخت کوش - ساعی
۲۰۳	enact	تصویب کردن
۲۰۴	feign	تظاهر کردن - وانمود کردن
۲۰۵	fertile	بارور - حاصلخیز
۲۰۶	freshly	اخیرا - بتازگی
۲۰۷	function	نقش - عمل کردن
۲۰۸	fundamental	اساسی - بنیادین
۲۰۹	indiscriminate	بدون برنامه ریزی
۲۱۰	selective	گزینشی
۲۱۱	spacious	جادار - وسیع
۲۱۲	withstand	ایستادگی کردن در برابر
۲۱۳	durable	بادوام - پایدار - جان سخت
۲۱۴	foster	باعث شدن - پروراندن
۲۱۵	favor	پسندیدن - تایید کردن
۲۱۶	gain	به دست آوردن
۲۱۷	halt	وقفه - متوقف کردن
۲۱۸	handle	برآمدن از پس - کنترل کردن
۲۱۹	harbor	پناه دادن به - جای دادن
۲۲۰	harmful	مضر - زیانبار
۲۲۱	insignificant	بی مفهوم - ناچیز
۲۲۲	mysterious	مرموز
۲۲۳	perilous	خطرناک
۲۲۴	promote	ارتقا دادن
۲۲۵	redundant	اضافی - زائد - دارای حشو
۲۲۶	reject	رد کردن - نپذیرفتن
۲۲۷	substantial	قابل ملاحظه
۲۲۸	trait	خصلت - ویژگی
۲۲۹	conscientious	با دقت - متعهد
۲۳۰	convey	رساندن - ابلاغ کردن
۲۳۱	encompass	در بر گرفتن
۲۳۲	expansion	گسترش - توسعه
۲۳۳	heighten	افزایش دادن - بالا بردن
۲۳۴	highlight	تکیه کردن بر - تاکید کردن بر
۲۳۵	inadvertently	سهوا - نادانسته
۲۳۶	inevitable	حتمی - ناگزیر
۲۳۷	infancy	آغاز - عدم بلوغ
۲۳۸	mimic	تقلید کردن - ادا درآوردن
۲۳۹	retrieve	باز یافتن
۲۴۰	systematically	به شکل اصولی و منظم
۲۴۱	unlikely	غیر ممکن - غیر محتمل
۲۴۲	unwarranted	غیر موجه - بی دلیل
۲۴۳	zenith	قله - اوج - کمال
۲۴۴	agitate	نگران کردن - آشفتن ساختن

۲۴۵	confidential	محرمانه - سری
۲۴۶	delighted	راضی - مشعوف - خرسند
۲۴۷	discreetly	مودبانه - محتاطانه - مدبرانه
۲۴۸	documented	مستند
۲۴۹	evoke	خاطره زنده کردن - به یاد آوردن
۲۵۰	gradually	بتدریج - پیوسته
۲۵۱	impartial	بی طرف - بی غرض
۲۵۲	inordinate	بیش از حد
۲۵۳	instantly	فورا
۲۵۴	intentionally	عمدا
۲۵۵	intrinsic	ذاتی - درونی - فطری
۲۵۶	inundate	زیر آب بردن
۲۵۷	nominal	اسمی - ملایم
۲۵۸	presumably	ظاهرا - گویا
۲۵۹	absurd	مسخره - مضحک
۲۶۰	allocation	توزیع - تخصیص
۲۶۱	balanced	متوازن - متعادل
۲۶۲	come across	برخوردن به
۲۶۳	culminate	منجر شدن - ختم شدن
۲۶۴	fallacious	نادرست - غلط
۲۶۵	feasible	ممکن - عملی
۲۶۶	lack	کمبود - نبود - فقدان
۲۶۷	limber	انعطاف پذیر
۲۶۸	means	شیوه - روش
۲۶۹	narrow	باریک
۲۷۰	preconception	پیش فرض
۲۷۱	robust	قوی - نیرومند
۲۷۲	steady	دائم - یکنواخت - مداوم
۲۷۳	swift	سریع - تند
۲۷۴	antiquated	قدیمی - از مد افتاده
۲۷۵	coherent	منسجم - هماهنگ
۲۷۶	evolve	رشد کردن - توسعه یافتن - تکامل یافتن
۲۷۷	fabricate	ساختن - سر هم کردن
۲۷۸	investigation	بررسی - کنکاش
۲۷۹	normally	عموما - معمولا
۲۸۰	notion	دید - مفهوم - برداشت
۲۸۱	novel	اصلی - اولیه - جدید
۲۸۲	opposition	مخالفت
۲۸۳	relate	ارتباط دادن - ابلاغ کردن
۲۸۴	suspect	گمان کردن - حدس زدن
۲۸۵	trigger	باعث شدن - موجب شدن
۲۸۶	unbiased	عینی - بدون تبعیض
۲۸۷	varied	متنوع - گوناگون - مختلف

۲۸۸	accentuate	تاکید کردن بر
۲۸۹	disguise	پنهان ساختن - کتمان کردن
۲۹۰	indifferent	بی تفاوت - بی توجهی - بی علاقه
۲۹۱	initiate	شروع کردن - آغاز کردن
۲۹۲	innovative	نوین - جدید - ابداع آمیز
۲۹۳	narrate	نقل کردن - روایت کردن
۲۹۴	nevertheless	با این وجود
۲۹۵	obsolete	از مد افتاده - منسوخ - قدیمی
۲۹۶	omit	حذف کردن - نادیده گرفتن
۲۹۷	outlandish	عجیب - نامتعارف
۲۹۸	overcome	فائق شدن بر
۲۹۹	partially	تا حدی - نسبتاً
۳۰۰	pass	تصویب کردن - تایید کردن
۳۰۱	portray	به تصویر کشیدن - مجسم کردن
۳۰۲	streamline	کارآمد کردن - تسهیل کردن
۳۰۳	decline	افت کردن - کاهش یافتن - نزول
۳۰۴	gather	جمع آوری کردن
۳۰۵	motion	جنبش - حرکت
۳۰۶	partisan	تعصب آمیز - جانبدارانه
۳۰۷	pattern	الگو - نقش و نگار
۳۰۸	phenomena	وقایع - پدیده ها
۳۰۹	philanthropic	انسان دوستانه
۳۱۰	placid	آرام
۳۱۱	plentiful	فراوان - وافر
۳۱۲	reaction	واکنش - عکس العمل
۳۱۳	rhythm	آهنگ - ریتم
۳۱۴	scenic	دیدنی - چشم نواز
۳۱۵	shallow	سطحی
۳۱۶	sheltered	بی دغدغه - آرام
۳۱۷	vanishing	در حال انقراض
۳۱۸	account	شرح حال - داستان - حساب
۳۱۹	archaic	کهنه - قدیمی - باستانی
۳۲۰	enlighten	آگاه کردن - روشن کردن
۳۲۱	hasten	شتاب دادن - شتاب گرفتن
۳۲۲	hue	رنگ
۳۲۳	inactive	بیکار - غیر فعال
۳۲۴	intricate	پیچیده - ظریف
۳۲۵	magnitude	بزرگی
۳۲۶	oblige	مجبور کردن - وادار کردن
۳۲۷	overlook	نادیده گرفتن
۳۲۸	poll	بررسی
۳۲۹	practical	عملی - کاربردی
۳۳۰	predominant	عمده - اصلی

۳۳۱	prompt	باعث شدن
۳۳۲	provoke	تحریک کردن - برانگیختن
۳۳۳	analogous	مشابه - شبیه
۳۳۴	approximately	تقریباً
۳۳۵	compel	مجبور کردن
۳۳۶	formidable	پر هیبت - سهمگین
۳۳۷	intrusive	مزاحم
۳۳۸	periodic	دوره ای - ادواری
۳۳۹	prone	مستعد
۳۴۰	prophetic	پشگویی - پیشگویانه
۳۴۱	proportions	ابعاد
۳۴۲	readily	به راحتی - آزادانه
۳۴۳	reliably	به گونه ای قابل اعتماد
۳۴۴	reluctantly	با بی میلی - با تعلل
۳۴۵	renown	شهرت - برجستگی
۳۴۶	revive	احیا کردن - زنده کردن
۳۴۷	triumph	موفقیت - پیروزی
۳۴۸	affordable	قابل خرید - مقرون به صرفه - قابل تهیه
۳۴۹	contaminated	آلوده
۳۵۰	discernible	قابل توجه - قابل مشاهده
۳۵۱	flourishing	پر رونق - شکوفا
۳۵۲	maintain	نگهداری کردن - حفظ کردن
۳۵۳	mediocre	متوسط - معمولی
۳۵۴	negligible	ناچیز - قابل اغماض
۳۵۵	parallel	مشابه - برابر - یکسان
۳۵۶	peculiar	عجیب
۳۵۷	potent	قوی - نیرومندانه
۳۵۸	remarkable	قابل توجه
۳۵۹	scattered	پراکنده
۳۶۰	solid	ثابت - منسجم - یکپارچه
۳۶۱	somewhat	کمی - قدری
۳۶۲	tedious	یکنواخت - خسته کننده
۳۶۳	briefly	به اختصار
۳۶۴	circulate	پخش شدن - پخش کردن
۳۶۵	consistently	بطور ثابت - بطور منظم
۳۶۶	exhibit	نشان دادن - نمایش دادن
۳۶۷	found	بنیان نهادن - تاسیس کردن
۳۶۸	improperly	به طرز ناشایست
۳۶۹	impulsively	بی اختیار - فی البداهه
۳۷۰	infrequently	بندرت
۳۷۱	isolated	مجزا - منزوی
۳۷۲	overtly	آشکارا - صریحا - به وضوح
۳۷۳	profoundly	عمیقا

۳۷۴	sharply	به سرعت - شدیداً
۳۷۵	situated	واقع
۳۷۶	subsequently	متعاقباً
۳۷۷	unmistakable	بی چون و چرا
۳۷۸	chaotic	آشفته - نامنظم
۳۷۹	controversial	جنگال برانگیز
۳۸۰	exemplify	توضیح دادن - نشان دادن
۳۸۱	gratifying	خشنود کننده - ارضا کننده
۳۸۲	interpret	تفسیر کردن - فهماندن
۳۸۳	launch	شروع کردن - آغاز کردن
۳۸۴	legitimate	قانونی - مشروع
۳۸۵	lethargy	تنبلی - خمودی - بی تفاوتی
۳۸۶	particular	مخصوص - ویژه
۳۸۷	radiant	روشن - درخشان - شاد
۳۸۸	ridge	نوک - قله
۳۸۹	span	پوشاندن
۳۹۰	spontaneous	خود جوش - خود به خود
۳۹۱	stream	جویبار - رود - جریان
۳۹۲	striking	قابل توجه - قابل ملاحظه
۳۹۳	aptly	به طرز مناسب
۳۹۴	demonstration	نمایش - تظاهرات
۳۹۵	ingredients	اجزا - عناصر
۳۹۶	involuntarily	ناخواسته - بی اختیار
۳۹۷	marvel	شگفتی - حیرت
۳۹۸	moderate	متوسط - معمولی - ملایم
۳۹۹	motivate	ترغیب کردن
۴۰۰	odd	عجیب
۴۰۱	profuse	شدید - فراوان - سخاوتمند
۴۰۲	reflection	انعکاس - بازتابش
۴۰۳	supposedly	ظاهراً
۴۰۴	sustained	پیوسته - مداوم
۴۰۵	symbols	نشانه ها - علائم
۴۰۶	synthesis	ساخت - ترکیب
۴۰۷	tangible	واقعی - ملموس
۴۰۸	aggravating	آزار دهنده
۴۰۹	amusement	سرگرمی - تفریح
۴۱۰	conceivably	احتمالاً
۴۱۱	convert	تغییر دادن - تغییر کردن
۴۱۲	curative	علاج بخش - شفا بخش
۴۱۳	debilitating	تضعیف کننده
۴۱۴	deplete	مصرف کردن
۴۱۵	finite	محدود
۴۱۶	perceive	حس کردن

۴۱۷	security	امنیت
۴۱۸	toxic	سمی - کشنده
۴۱۹	tranquility	آرامش
۴۲۰	trap	به دام انداختن
۴۲۱	undeniably	بی شک - قطعاً - مسلماً
۴۲۲	underestimated	دست کم گرفته شده
۴۲۳	acknowledge	اعتراف کردن - پذیرفتن
۴۲۴	acquire	کسب کردن
۴۲۵	assimilate	جذب کردن
۴۲۶	assortment	مجموعه - ترکیب
۴۲۷	caliber	کیفیت
۴۲۸	condensed	متراکم - خلاصه شده
۴۲۹	contradictory	ناهماهنگ - متناقض
۴۳۰	disregard	اعتنا نکردن به - توجه نکردن به
۴۳۱	precious	عزیز - با ارزش
۴۳۲	prominent	نامدار - برجسته
۴۳۳	requisite	مورد نیاز - ضروری
۴۳۴	unravel	پرده برداشتن از - گشودن
۴۳۵	vague	مبهم
۴۳۶	vast	وسیع - گسترده
۴۳۷	volume	حجم - مقدار
۴۳۸	charisma	جذابیت - کشش - کرشمه
۴۳۹	clever	زرنگ - زیرک
۴۴۰	convince	متقاعد کردن - قانع کردن
۴۴۱	endure	تحمل کردن - دوام آوردن
۴۴۲	forfeit	کنار گذاشتن - رها کردن
۴۴۳	precarious	خطرناک
۴۴۴	severe	شدید
۴۴۵	sporadic	پراکنده - نامنظم
۴۴۶	superior	برتر - عالی
۴۴۷	wanton	بی دلیل
۴۴۸	weak	بی اثر - ضعیف
۴۴۹	widespread	وسیع - گسترده
۴۵۰	wisdom	خرد - درایت - عقل - بصیرت
۴۵۱	witticism	شوخی طبعی
۴۵۲	woo	جذب کردن
۴۵۳	antique	عتیقه - آنتیک - چیز قدیمی
۴۵۴	break	شکستگی
۴۵۵	colleague	همکار
۴۵۶	dusk	غروب آفتاب - دم غروب
۴۵۷	engrossed	غرق در - مجذوب - شیفته
۴۵۸	expire	از اعتبار افتادن
۴۵۹	gam	گوهر - سنگ قیمتی

۴۶۰	intrude	مزاحم شدن
۴۶۱	project	پرتاب کردن
۴۶۲	promulgate	اعلان کردن
۴۶۳	strive	تلاش کردن - کوشیدن
۴۶۴	stubborn	سر سخت - سر سخنانه
۴۶۵	thrifty	صرفه جو - اقتصادی - دقیق
۴۶۶	trivial	بی اهمیت
۴۶۷	trust	اعتماد کردن به - تکیه کردن به
۴۶۸	amateur	آماتور - غیر حرفه ای
۴۶۹	column	ستون
۴۷۰	deride	مسخره کردن
۴۷۱	enlogy	تحسین - ستایش
۴۷۲	expand	وسعت یافتن
۴۷۳	ferry	انتقال دادن - حمل کرن
۴۷۴	further	بیشتر - اضافی
۴۷۵	inquisitive	کنجکاو - فضول
۴۷۶	irritable	زود رنج
۴۷۷	precisely	دقیقا
۴۷۸	proximity	نزدیکی
۴۷۹	reach	رسیدن به - دست یافتن به
۴۸۰	reckless	بی پروا - بی دقت
۴۸۱	stale	کهنه - مانده
۴۸۲	tepid	ولرم
۴۸۳	alleviate	تسکین دادن
۴۸۴	dubious	مردد - دودل
۴۸۵	eradicate	از میان بردن - ریشه کن کردن
۴۸۶	fowl	پرنده - مرغ و خروس
۴۸۷	outline	خلاصه - چکیده - فشرده
۴۸۸	pensive	تو فکر - غرق در فکر
۴۸۹	precede	رفتن قبل از - قرار گرفتن قبل از
۴۹۰	property	ویژگی - خاصیت
۴۹۱	rage	سبک - مد
۴۹۲	respect	احترام گذاشتن به
۴۹۳	seize	ضبط کردن - گرفتن - توقیف کردن
۴۹۴	sluggish	کند - آهسته
۴۹۵	swerve	ناگهان پیچیدن
۴۹۶	warrant	حکم - مجوز کتبی
۴۹۷	yelp	فریاد زدن - جیغ زدن
۴۹۸	applaud	دست زدن برای - تحسین کردن
۴۹۹	callous	سنگدل - بی احساس
۵۰۰	combination	تلفیق - ترکیب - ادغام
۵۰۱	crave	خواستن - طلبیدن - میل داشتن
۵۰۲	culpable	مقصر - مجرم - گناهکار

۵۰۳	fret	نگران بودن
۵۰۴	hardy	مقاوم - نیرومند
۵۰۵	hubbub	سروصدا و آشفتگی
۵۰۶	limit	حد - محدوده
۵۰۷	luminous	درخشان - روشن
۵۰۸	prior	پیش از
۵۰۹	tendency	تمایل - گرایش - استعداد
۵۱۰	transact	انجام دادن
۵۱۱	tumble	افتادن
۵۱۲	ultimate	غایی - نهایی
۵۱۳	astound	متحیر ساختن - متعجب کردن
۵۱۴	confinement	حبس - اسارت
۵۱۵	drenched	خیس - بسیار مرطوب
۵۱۶	envelop	در بر گرفتن - احاطه کردن
۵۱۷	hesitant	دودل - مردد - بی میل
۵۱۸	humid	گرم و مرطوب
۵۱۹	incredible	باور نکردنی - غیر قابل باور
۵۲۰	just	منصف - بیطرف - منصفانه
۵۲۱	muster up	گردآوری کردن - جمع کردن
۵۲۲	perpetual	دائم
۵۲۳	prolong	تمدید کردن - کش دادن
۵۲۴	resemble	شباهت داشتن به - شبیه بودن به
۵۲۵	retard	مانع شدن از - کند کردن
۵۲۶	roughly	تقریباً - حدوداً
۵۲۷	sanction	تنبیه - مجازات
۵۲۸	adequate	کافی
۵۲۹	boundless	نامحدود - بی حد و حصر
۵۳۰	brutal	وحشیانه - بی رحم - بی رحمانه
۵۳۱	cautiously	محتاطانه - با احتیاط
۵۳۲	expound	شرح دادن
۵۳۳	foretell	پیشگویی کردن
۵۳۴	handy	دم دست - در دسترس
۵۳۵	industrious	سخت کوش - ساعی
۵۳۶	jeopardy	مخاطره - خطر
۵۳۷	penetrate	نفوذ کردن به
۵۳۸	raze	از بین بردن - تخریب کردن
۵۳۹	shrewd	زیرک - تیز - زرنگ
۵۴۰	testify	شهادت دادن
۵۴۱	tether	بستن
۵۴۲	unaware of	نا آگاه از - بی خبر
۵۴۳	blunder	خطا - اشتباه
۵۴۴	body	مقدار - میزان
۵۴۵	confident	مطمئن

۵۴۶	congenial	مطلوب
۵۴۷	heed	توجه کردن به
۵۴۸	inert	غیر فعال
۵۴۹	murky	تار - تاریک
۵۵۰	proprietor	مالک
۵۵۱	quest	جستجو
۵۵۲	request	درخواست - خواهش
۵۵۳	reside	زندگی کردن - اقامت داشتن
۵۵۴	sip	جرعه جرعه نوشیدن
۵۵۵	tolerate	کنار آمدن با - تحمل کردن
۵۵۶	unorganized	نامنظم - سازمان نیافته
۵۵۷	vacant	خالی - اشغال نشده
۵۵۸	admonish	هشدار دادن
۵۵۹	bicker	بگومگو کردن - بحث کردن
۵۶۰	cataclysm	فاجعه
۵۶۱	cluttered	نامنظم - درهم و برهم
۵۶۲	consortium	ائتلاف - کنسرسیوم
۵۶۳	detest	متنفر بودن از - منزجر بودن از
۵۶۴	far-reaching	گسترده - جامع - فراگیر
۵۶۵	hasty	سریع - شتابزده
۵۶۶	imperfection	عیب - نقص - نقیصه
۵۶۷	meteor	جرم سماوی - شهاب سنگ
۵۶۸	routine	معمولی - متداول
۵۶۹	sever	قطع کردن - بریدن
۵۷۰	shrug	شانه بالا انداختن
۵۷۱	suspend	به تعلیق درآوردن
۵۷۲	vagabond	ولگرد - فرد سرگردان
۵۷۳	abate	کاهش یافتن - فروکش کردن
۵۷۴	annual	سالانه
۵۷۵	coat	پوشاندن
۵۷۶	composed of	تشکیل شدن از
۵۷۷	doze	به خواب رفتن - خوابیدن
۵۷۸	famine	قحطی - گرسنگی
۵۷۹	framework	قالب - ساختار
۵۸۰	hoarse	خشن - زمخت
۵۸۱	imminent	قریب الوقوع
۵۸۲	menace	تهدید - ارباب
۵۸۳	oxidized	زنگ زده - زنگ خورده - اکسیده
۵۸۴	pick out	انتخاب کردن - برگزیدن
۵۸۵	publish	چاپ کردن - تولید کردن
۵۸۶	purify	ضد عفونی کردن - تصفیه کردن
۵۸۷	stirring	هیجان انگیز - تکان دهنده
۵۸۸	blossom	شکوفه

۵۸۹	bud	جوانه
۵۹۰	colonist	مقیم - ساکن
۵۹۱	desiccate	خشک کردن
۵۹۲	dweller	ساکن - مقیم
۵۹۳	elimination	حذف - نابودی
۵۹۴	frigid	بسیار سرد
۵۹۵	induce	باعث شدن
۵۹۶	native	بومی - محلی
۵۹۷	parched	خشک
۵۹۸	previously	قبلا
۵۹۹	process	عمل آوردن
۶۰۰	saturate	خیساندن
۶۰۱	simultaneously	همزمان
۶۰۲	successive	پیایی - پشت سر هم
۶۰۳	acrid	تلخ - تند
۶۰۴	aqueduct	آبراه - کانال آب
۶۰۵	benign	بی ضرر - خوش خیم
۶۰۶	cede	واگذار کردن
۶۰۷	concisely	باختصار - بطور خلاصه
۶۰۸	contemplation	تعمق - تفکر
۶۰۹	daringly	دلیرانه
۶۱۰	essential	مهم - ضروری
۶۱۱	legislature	قانون گذاران - قوه مقننه
۶۱۲	nominate	نامزد کردن - برگزیدن
۶۱۳	purge	پاک کردن - زدودن
۶۱۴	relevant	مربوط - مرتبط
۶۱۵	specimen	نمونه
۶۱۶	spicy	پر ادویه - بامزه
۶۱۷	timid	ترسو - خجالتی
۶۱۸	apprehend	دستگیری کردن
۶۱۹	benevolent	مهربان - خیرخواه
۶۲۰	binary	دوگانه - دو تایی
۶۲۱	brink	لبه - آستانه
۶۲۲	courage	جرات - شجاعت - بی باکی
۶۲۳	deplete	کاهش دادن
۶۲۴	disintegration	فروپاشی
۶۲۵	disprove	رد کردن - انکار کردن
۶۲۶	draw	استخراج کردن - بیرون کشیدن
۶۲۷	drawback	عیب - بدی - اشکال
۶۲۸	equal	برابر - یکسان - معادل
۶۲۹	fashion	روش - شیوه - سبک
۶۳۰	liberate	آزاد ساختن
۶۳۱	profuse	فراوان - وافر

۶۳۲	raise	مطرح کردن - پیشنهاد کردن
۶۳۳	avert	دفع کردن - دوری کردن از
۶۳۴	burst	منفجر شدن - ترکیدن
۶۳۵	captive	زندانی - اسیر
۶۳۶	create	آفریدن - بوجود آوردن
۶۳۷	equitable	منصف - برابر
۶۳۸	flourish	رونق داشتن - رونق یافتن
۶۳۹	miniature	مینیاچور - تصویر کوچک
۶۴۰	minute	ریز - بسیار کوچک - بسیار کم
۶۴۱	procedure	شیوه - روش
۶۴۲	propel	هل دادن - سوق دادن
۶۴۳	prosper	رونق گرفتن
۶۴۴	reiterate	تکرار کردن - خاطر نشان کردن
۶۴۵	secede	کنار کشیدن
۶۴۶	stagnant	راکد - آرام - بی حرکت
۶۴۷	ultimately	سرانجام - بالاخره - نهایتاً
۶۴۸	bleak	یخ زده - بسیار سرد
۶۴۹	bloom	شکوفه
۶۵۰	brew	دم کردن - دم کشیدن
۶۵۱	concoction	ترکیب - مخلوط
۶۵۲	currently	در حال حاضر - فعلاً
۶۵۳	delectable	خوشمزه - مطبوع
۶۵۴	entail	در بر گرفتن - شامل شدن
۶۵۵	excessive	بیش از حد - مفرط
۶۵۶	feat	دستاورد
۶۵۷	horde	توده - اجتماع
۶۵۸	ignite	مشتععل کردن - مشتععل شدن
۶۵۹	juice	مایع - عصاره - آب
۶۶۰	specifically	بطرز خاص
۶۶۱	tangy	تند - ادویه زده
۶۶۲	virtually	عملاً
۶۶۳	athlete	ورزشکار
۶۶۴	basically	اصولاً - اساساً
۶۶۵	boost	افزایش دادن
۶۶۶	brittle	شکستنی - ظریف - شکننده
۶۶۷	carol	آواز - نغمه
۶۶۸	dwindle	کاهش یافتن
۶۶۹	emanate	پدید آمدن - نشأت گرفتن
۶۷۰	frivolous	پوچ - بی اهمیت
۶۷۱	inappropriate	نامناسب - ناشایسته
۶۷۲	lumber	الوار - چوب
۶۷۳	momentous	مهم
۶۷۴	pedal	پدال

۶۷۵	speculate	فکر کردن - اندیشیدن
۶۷۶	support	اثبات کردن - تایید کردن
۶۷۷	whim	هوس - میل آنی
۶۷۸	definite	مشخص - واضح
۶۷۹	eclectic	مختلط - التقاطی
۶۸۰	varying	مختلف - متنوع
۶۸۱	whereas	در صورتیکه - در حالیکه - بر عکس
۶۸۲	dialect	لهجه
۶۸۳	addle	گندیده - فاسد
۶۸۴	logically	منطقا - عقلا
۶۸۵	patient	صبور - شکيبا - بردباری
۶۸۶	married	متاهل - شوهر دار - عروسی کرده
۶۸۷	attacking	متهاجم - تک کننده
۶۸۸	trial	محاکمه - دادرسی - آزمایش - امتحان
۶۸۹	deathly	مرگبار - مهلک
۶۹۰	suspected	مظنون - مورد شک
۶۹۱	breeze	نسیم - باد ملایم
۶۹۲	queen	وزیر - شهبانو - زن پادشاه
۶۹۳	accomplishment	دستاورد - مهارت
۶۹۴	beverage	نوشیدنی - نوشابه
۶۹۵	bombard	بمباران کردن - اشباع کردن
۶۹۶	bride	عروس - همسر جدید
۶۹۷	denounce	حمله کردن - نکوهش کردن
۶۹۸	drastically	بسیار - خیلی
۶۹۹	gratitude	قدردانی - سپاس
۷۰۰	guarantee	ضمانت
۷۰۱	implement	ابزار - وسیله
۷۰۲	lavy	تحمل کردن - وضع کردن
۷۰۳	opportunity	فرصت
۷۰۴	rational	منطقی - معقول
۷۰۵	shrewd	تیز - زیرک - باهوش
۷۰۶	staple	عنصر اصلی
۷۰۷	unanimity	هم رأی - اتفاق نظر
۷۰۸	adept	ماهر - متخصص
۷۰۹	assessment	ارزیابی - سنجش
۷۱۰	concede	اعتراف کردن
۷۱۱	conduct	رفتار کردن
۷۱۲	curtail	کوتاه کردن - کاهش دادن
۷۱۳	discipline	انضباط
۷۱۴	evacuate	تخلیه کردن
۷۱۵	expose	به نمایش گذاشتن
۷۱۶	moderate	معقول - مستدل
۷۱۷	notify	آگاه ساختن - مطلع کردن

۷۱۸	paltry	ناچیز - بی اهمیت
۷۱۹	portable	قابل حمل - قابل حرکت
۷۲۰	terminate	پایان دادن به - به پایان رسیدن
۷۲۱	triumphantly	پیروزمندانه - فاتحانه
۷۲۲	unsuccessful	ناموفق - بیهوده
۷۲۳	candid	رک - صریح - صادق - کاندیدا - نامزد
۷۲۴	cathedral	کلیسای جامع
۷۲۵	clandestine	مخفیانه - سری
۷۲۶	conventional	معمولی - متعارف
۷۲۷	elaborate	توضیح دادن
۷۲۸	encounter	روبرو شدن با
۷۲۹	Identify	تشخیص دادن
۷۳۰	intelligible	قابل فهم - قابل درک
۷۳۱	loyal	وفادار
۷۳۲	nonchalant	خونسرد - بی تفاوت
۷۳۳	occasionally	گاه - بعضی اوقات
۷۳۴	previous	قبلی - پیشین
۷۳۵	rendezvous	دیدار - قرار
۷۳۶	susceptible	آسیب پذیر
۷۳۷	transition	تغییر
۷۳۸	allude	اشاره کردن
۷۳۹	cancel	لغو کردن
۷۴۰	clique	گروه - دار و دسته
۷۴۱	criteria	استانداردها - ملاک ها
۷۴۲	forecast	پیشگویی کردن
۷۴۳	grievance	شکایت - نارضایتی
۷۴۴	innocuous	بی ضرر
۷۴۵	license	مجوز دادن - اجازه قانونی دادن
۷۴۶	occur	صورت گرفتن - اتفاق افتادن
۷۴۷	optimistic	امیدوار
۷۴۸	pass away	در گذشتن - فوت کردن
۷۴۹	provoke	خشمگین کردن - تحریک کردن
۷۵۰	seriously	جدا - بطرز جدی
۷۵۱	veterinarian	دامپزشک
۷۵۲	ubiquitous	فراگیر - همه جا حاضر
۷۵۳	acknowledge	اعتراف کردن - اذعان داشتن
۷۵۴	affiliated	وابسته
۷۵۵	calamitous	فاجعه آمیز - فاجعه بار
۷۵۶	consent	اجازه - رضایت
۷۵۷	convalescence	بهبودی
۷۵۸	frequently	زیاد - اغلب - به کرات
۷۵۹	gullible	زود باور - گول خور
۷۶۰	likely	ممکن - احتمالی - محتمل

۷۶۱	obesity	چاقی
۷۶۲	obsolete	قدیمی - منسوخ
۷۶۳	particularly	خصوصاً - بویژه
۷۶۴	portrait	تصویر - عکس
۷۶۵	proof	شاهد - مدرک
۷۶۶	relatively	نسبتاً
۷۶۷	right away	فورا
۷۶۸	accompany	همراهی کردن - رفتن با
۷۶۹	assassin	قاتل - ضارب
۷۷۰	authority	مسئول
۷۷۱	chamber	حفره - سوراخ
۷۷۲	courteous	مودب
۷۷۳	incredible	باور نکردنی
۷۷۴	model	تقلید کردن از
۷۷۵	negotiate	مذاکره کردن
۷۷۶	objective	هدف - مقصد
۷۷۷	permanently	برای همیشه - دائم
۷۷۸	regime	رژیم - حکومت
۷۷۹	relentless	بی وقفه
۷۸۰	reluctant	بی میل
۷۸۱	subsequent	بعدی
۷۸۲	sufficient	کافی - به اندازه کافی
۷۸۳	dirty	کثیف - آلوده
۷۸۴	droop	پژمرده شدن
۷۸۵	epitomize	مظهر - نشان
۷۸۶	husk	پوست
۷۸۷	intersect	یکدیگر را قطع کردن - برخورد - تقسیم کردن
۷۸۸	motto	شعار - سرلوحه
۷۸۹	nourishment	تغذیه
۷۹۰	obscurity	ابهام
۷۹۱	paramount	والا - عالی
۷۹۲	prudent	عاقلاًنه
۷۹۳	rate	نرخ
۷۹۴	resurrect	احیاء کردن
۷۹۵	rind	پوست
۷۹۶	slick	روان
۷۹۷	transform	تغییر دادن
۷۹۸	yearn	آرزو داشتن - تمایل داشتن
۷۹۹	anguish	درد - رنج
۸۰۰	appraisal	ارزیابی
۸۰۱	beckon	علامت دادن
۸۰۲	bring about	موجب شدن - بوجود آوردن
۸۰۳	carefree	بی خیال - بی دغدغه

۸۰۴	clamorous	پر سر و صدا
۸۰۵	fort	برج - قلعه
۸۰۶	glossary	واژه نامه - فهرست واژگان
۸۰۷	modify	تغییر دادن - اصلاح کردن
۸۰۸	propriety	شرافت - ادب
۸۰۹	reverse	در جهت عکس عمل کردن
۸۱۰	retort	پاسخ - جواب
۸۱۱	scrap	ماده زائد
۸۱۲	segment	تقسیم کردن
۸۱۳	skeptical	شکاک - بدبین
۸۱۴	agility	فرزی - چالاکی - زرنگی
۸۱۵	agreement	توافقنامه - موافقت نامه
۸۱۶	blizzard	کولاک
۸۱۷	digit	رقم - عدد
۸۱۸	dilate	گشاد کردن
۸۱۹	divide	تقسیم کردن - جدا کردن
۸۲۰	enticing	جذاب - گیرا
۸۲۱	hesitate	درنگ کردن - دودل بودن
۸۲۲	hilarious	خنده دار
۸۲۳	impatient	بی حوصله - عصبانی
۸۲۴	massive	بسیار بزرگ - عظیم
۸۲۵	precaution	احتیاط - اقدام پیشگیرانه
۸۲۶	properties	دارایی - املاک
۸۲۷	tamper	دستکاری کردن - دست زدن به
۸۲۸	affliction	رنج - بیماری
۸۲۹	amble	گردش کردن - تفریح کردن
۸۳۰	clemency	ترحم - عفو - بخشش
۸۳۱	crave	خواستن - طلبیدن
۸۳۲	deceased	مرحوم - متوفی - مرده
۸۳۳	disdain	مسخره کردن - تحقیر کردن
۸۳۴	genetic	ارثی - موروثی - ژنتیکی
۸۳۵	naive	ساده لوح - خام - جاهل
۸۳۶	queer	عجیب و غریب
۸۳۷	resolute	قاطع - مصمم - سفت و محکم
۸۳۸	rural	روستایی
۸۳۹	strategy	راهبرد - استراتژی - تدبیر
۸۴۰	tacit	تلویحی
۸۴۱	warrant	توجیه کردن
۸۴۲	zone	منطقه - ناحیه
۸۴۳	abet	حمایت کردن از
۸۴۴	accretion	انباشت - تجمع
۸۴۵	carcass	جسد - لاشه - مردار
۸۴۶	contract	جمع شدن - منقبض شدن

۸۴۷	inundate	فراگرفتن - پوشاندن
۸۴۸	lapse	لغزش - خطا
۸۴۹	overall	کلی - جامع
۸۵۰	pacific	آرام
۸۵۱	pervasive	فراگیر - گسترده
۸۵۲	prosecute	تحت پیگرد قانونی قرار دادن
۸۵۳	query	پرسش
۸۵۴	seep	نشت کردن - چکه کردن
۸۵۵	shun	دوری کردن از - پرهیز کردن
۸۵۶	traverse	عبور کردن از - رد شدن از
۸۵۷	weird	عجیب
۸۵۸	authority	اقتدار - قدرت
۸۵۹	batter	زدن
۸۶۰	buoyant	شناور
۸۶۱	channel	هدایت کردن
۸۶۲	genealogical	شجره ای - تبار شناختی
۸۶۳	inclination	گرایش - میل
۸۶۴	incredulous	دیر باور - شکاک
۸۶۵	loathe	متنفر بودن از - منزجر بودن از
۸۶۶	masonry	سنگ کاری - سنگ چینی
۸۶۷	scarcity	کمبود
۸۶۸	site	محل - مکان - موقعیت
۸۶۹	tract	گسترده - پهنه
۸۷۰	submerged	غرق در آب
۸۷۱	wilt	پژمرده شدن
۸۷۲	worthwhile	مفید - سودمند
۸۷۳	acute	شدید
۸۷۴	anemia	کم خونی - ضعف
۸۷۵	bolster	تداوم بخشیدن - تقویت کردن
۸۷۶	cane	کتک زدن - زدن
۸۷۷	clash	درگیر شدن - دعوا کردن
۸۷۸	cluster	جمع شدن - گرد آمدن
۸۷۹	composite	ترکیبی - ترکیب - مرکب
۸۸۰	numb	بی حس - کرخت
۸۸۱	pliant	انعطاف پذیر - سازگار
۸۸۲	relics	بقایا
۸۸۳	sly	زرنگ - زیرک - رند - ناقلا
۸۸۴	stimulate	برانگیختن
۸۸۵	surname	نام خانوادگی
۸۸۶	synthesis	ترکیب - ادغام
۸۸۷	vigilant	مراقب - بیدار
۸۸۸	abolish	منسوخ کردن - پایان دادن
۸۸۹	acquisition	فراگیری - یادگیری

۸۹۰	bulge	افزایش
۸۹۱	crude	خام - تصفیه نشده
۸۹۲	demolition	تخریب - نابودی
۸۹۳	epic	شعر حماسی
۸۹۴	exert	بکار بردن - اعمال کردن
۸۹۵	indispensable	لازم - ضروری
۸۹۶	lament	سوگواری کردن - ماتم و زاری کردن
۸۹۷	mow	چیدن - زدن
۸۹۸	reason	استدلال کردن
۸۹۹	recently	بتازگی - اخیرا
۹۰۰	useful	قابل استفاده - مفید
۹۰۱	versus	در برابر
۹۰۲	widely	به میزان وسیعی
۹۰۳	abruptly	ناگهان - بطور غیر منتظره
۹۰۴	adhere	چسبیدن - پایبند بودن
۹۰۵	alien	بیگانه - عجیب و غریب
۹۰۶	domestic	اهلی - رام
۹۰۷	emaciated	لاغر - ضعیف - نحیف - نزار
۹۰۸	infamous	معروف - بدنام
۹۰۹	liability	مسئولیت - وظیفه
۹۱۰	link	وصل کردن - ربط دادن
۹۱۱	lump	قلنبه
۹۱۲	obituary	اطلاعیه ترحیم
۹۱۳	persist	ادامه دادن - ادامه یافتن
۹۱۴	procure	تهیه کردن - بدست آوردن
۹۱۵	soothe	آرام کردن - تسکین بخشیدن
۹۱۶	stable	ایمن - ثابت
۹۱۷	surrender	تسلیم شدن
۹۱۸	ability	توانمندی - توانایی
۹۱۹	abject	اسفبار - نکبت بار
۹۲۰	compensate	جبران کردن
۹۲۱	drudgery	کار پر زحمت - کار سخت
۹۲۲	expose	در معرض چیزی قرار دادن
۹۲۳	formerly	قبلا - پیش از این
۹۲۴	inexplicable	غیر قابل توجیه
۹۲۵	key	کلیدی - مهم
۹۲۶	pompous	متکبر - خود پسند - مغرور
۹۲۷	present	موجود - فعلی - حاضر
۹۲۸	prodigious	عظیم - بسیار بزرگ
۹۲۹	repel	دفع کردن
۹۳۰	species	نوع - گونه
۹۳۱	uprising	نا آرامی - شورش - قیام
۹۳۲	version	نقل قول - روایت

۹۳۳	alcove	پستو - طاقچه
۹۳۴	cherished	ارزشمند - دوست داشتنی - عزیز
۹۳۵	concur	موافق بودن
۹۳۶	flawed	ناقص - معیوب
۹۳۷	impetus	محرک - انگیزه
۹۳۸	imposing	عظیم - باشکوه - با نفوذ - با ابهت
۹۳۹	outstanding	برجسته - عالی
۹۴۰	rate	ارزیابی کردن
۹۴۱	spurt	بیرون زدن - فوران کردن
۹۴۲	staunch	قوی - پروپا قرص
۹۴۳	thorough	دقیق - جامع - کامل
۹۴۴	thoroughfare	خیابان اصلی - جاده اصلی
۹۴۵	thrive	رونق یافتن
۹۴۶	thus	از اینرو - بنابراین
۹۴۷	benefactor	حامی - صاحب خیر - بانی
۹۴۸	bizarre	عجیب
۹۴۹	counteract	مقابله کردن با
۹۵۰	commuter	مسافر درون شهری
۹۵۱	contrive	پدید آوردن - ابداع کردن
۹۵۲	decay	فاسد کردن - خراب کردن
۹۵۳	discrimination	تبعیض
۹۵۴	evenly	بطور یکنواخت
۹۵۵	expedition	مسافرت ماموریتی - سفر
۹۵۶	fake	ساختگی - جعلی - تقلبی
۹۵۷	fibrous	فیبری - الیاف مانند - لیفی
۹۵۸	intentional	عمدی
۹۵۹	remnants	بقایا - بقیه
۹۶۰	stride	پیشرفت - قدم - گام
۹۶۱	tremor	لرزش
۹۶۲	angle	منظر - دیدگاه
۹۶۳	application	استعمال - استفاده - کاربرد
۹۶۴	bright	براق - تابناک - درخشان
۹۶۵	commence	شروع کردن - آغاز کردن
۹۶۶	etiology	علت - دلیل
۹۶۷	floor	عمق - ته - کف
۹۶۸	harbor	بندرگاه - بندر
۹۶۹	haven	محل امن - پناهگاه
۹۷۰	luminosity	درخشش
۹۷۱	monologue	سخنرانی - نطق
۹۷۲	research	کنکاش - تحقیق - پژوهش
۹۷۳	strong	نیرومند - قوی
۹۷۴	tension	تضاد - درگیری
۹۷۵	unparalleled	بی نظیر - بی بدیل

۹۷۶	unusual	عجیب - غیر معمول
۹۷۷	acceleration	افزایش - تسریع
۹۷۸	adorn	تزیین کردن - زیبا ساختن
۹۷۹	apprehensive	نگران - ترسیده
۹۸۰	arduous	پر زحمت - شاق - طاقت فرسا
۹۸۱	delegate	قدرت دادن به - اختیار دادن به
۹۸۲	devastating	ویرانگر - مخرب
۹۸۳	disposal	خدمت - اختیار
۹۸۴	distress	گرفتاری - ناراحتی
۹۸۵	flimsy	ظریف - لطیف
۹۸۶	jettison	دور انداختن
۹۸۷	legible	خوانا
۹۸۸	pernicious	مضر - زیانبار - مهلک
۹۸۹	replenish	تجدید کردن
۹۹۰	thrust	حرکت
۹۹۱	utilitarian	کاربردی
۹۹۲	abhorrence	نفرت - انزجار
۹۹۳	advocate	توصیه کردن - طرفداری کردن
۹۹۴	derision	استهزاء - تمسخر
۹۹۵	hamlet	روستا
۹۹۶	income	درآمد
۹۹۷	marsh	باتلاق
۹۹۸	painstaking	زحمتکش - طاقت فرسا
۹۹۹	ponder	اندیشیدن - تامل کردن
۱۰۰۰	recurrent	مکرر - تکراری
۱۰۰۱	simply	فقط - صرفاً
۱۰۰۲	thriving	در حال رونق - شکوفا
۱۰۰۳	thwart	شکست دادن
۱۰۰۴	transitory	زودگذر - موقت
۱۰۰۵	trigger	باعث شدن - فعال شدن
۱۰۰۶	vividly	به وضوح - به طور زنده
۱۰۰۷	about-face	تغییر موضع - چرخش - عقب گرد
۱۰۰۸	affection	محبت - دوستی - عشق
۱۰۰۹	afflict	آزار دادن - گرفتار کردن
۱۰۱۰	aloof	سواء - به دور از
۱۰۱۱	common	مشترک
۱۰۱۲	despondent	ناراحت - ناامید
۱۰۱۳	flourish	رشد کردن - زندگی کردن
۱۰۱۴	haphazard	نامنظم - کتره ای
۱۰۱۵	itinerant	سیار - دوره گرد
۱۰۱۶	meticulously	بدقت
۱۰۱۷	rubble	قطعات - آوار
۱۰۱۸	slant	کج کردن

۱۰۱۹	splendid	بسیار خوب - عالی
۱۰۲۰	trample	پایمال کردن
۱۰۲۱	vessel	کشتی
۱۰۲۲	addicted	دلبسته - شیفته - وابسته
۱۰۲۳	carnivorous	گوشتخوار
۱۰۲۴	catastrophic	فاجعه بار - فاجعه انگیز
۱۰۲۵	cumbersome	زمخت - ثقیل - دست و پا گیر
۱۰۲۶	dedicate	وقف کردن - تقدیم کردن
۱۰۲۷	gurrulous	پرچانه - پر حرف
۱۰۲۸	globular	مدور - گرد - کروی
۱۰۲۹	gummy	چسبناک
۱۰۳۰	heyday	اوج محبوبیت - ترقی
۱۰۳۱	immeasurably	بسیار
۱۰۳۲	reform	پیشرفت - اصلاح - بهبودی
۱۰۳۳	riddle	معما - چیستان
۱۰۳۴	streamline	ساده کردن - تسهیل کردن
۱۰۳۵	stubby	کوتاه - خپل
۱۰۳۶	wholeheartedly	مشتاقانه - با تمام وجود
۱۰۳۷	biased	جانبدارانه - متعصبانه
۱۰۳۸	boom	رشد کردن - پیشرفت کردن
۱۰۳۹	bounce	پرش - جهش
۱۰۴۰	bully	زور گفتن - ترساندن
۱۰۴۱	credulous	خوش خیال - زودباور
۱۰۴۲	huge	بسیار بزرگ - عظیم
۱۰۴۳	laborer	عمله - کارگر ساده
۱۰۴۴	nomadic	چادرنشین - آواره
۱۰۴۵	pace	سرعت - آهنگ - شتاب
۱۰۴۶	pause	ایست - توقف - وقفه
۱۰۴۷	plead	التماس کردن - خواهش کردن
۱۰۴۸	relay	پخش کردن - ارسال کردن - فرستادن
۱۰۴۹	sap	شیره گیاهی
۱۰۵۰	synthetically	به شیوه ی مصنوعی
۱۰۵۱	tale	داستان - قصه - حکایت
۱۰۵۲	affinity	رابطه قلبی - دوستی
۱۰۵۳	ceaseless	دائم - مداوم - بی وقفه
۱۰۵۴	contaminate	آلوده کردن - مسموم کردن
۱۰۵۵	elaborately	به طرز پیچیده
۱۰۵۶	emerge	پدیدار شدن - ظاهر شدن
۱۰۵۷	fairly	نسبتا - قدری - تا حدی
۱۰۵۸	fluctuate	نوسان داشتن - متغیر بودن
۱۰۵۹	forsake	رها کردن - ترک کردن
۱۰۶۰	gorge	بلعیدن
۱۰۶۱	intuitive	حدسی - شهودی - فطری

۱۰۶۲	manifest	نشان دادن
۱۰۶۳	mute	آرام - بی صدا - ساکت
۱۰۶۴	progressively	بتدریج
۱۰۶۵	remains	لاشه - جسد
۱۰۶۶	tolerance	بردباری - تحمل
۱۰۶۷	advance	ارائه کردن - پیشنهاد کردن
۱۰۶۸	augment	افزایش دادن
۱۰۶۹	avid	علاقمند - مشتاق
۱۰۷۰	authentic	اصیل - واقعی
۱۰۷۱	commemorate	یاد کردن از - تجلیل کردن از
۱۰۷۲	compatible	سازگار - هماهنگ - منطبق
۱۰۷۳	coordinated	سازماندهی شده - هماهنگ
۱۰۷۴	endangered	در معرض خطر
۱۰۷۵	financial	مالی - پولی
۱۰۷۶	reciprocal	دوطرفه - دوجانبه
۱۰۷۷	refute	نقض کردن - رد کردن
۱۰۷۸	resounding	عظیم
۱۰۷۹	secret	پنهانی - سری - مخفیانه
۱۰۸۰	unswerving	ثابت - غیر قابل تغییر
۱۰۸۱	zany	احمقانه - مسخره - مضحک
۱۰۸۲	achieve	کسب کردن - بدست آوردن
۱۰۸۳	clue	سرنخ - ردپا - نشانه
۱۰۸۴	concentrate	متمرکز شدن - تمرکز کردن
۱۰۸۵	consistent	هماهنگ - منظم
۱۰۸۶	descent	منشا - اصل
۱۰۸۷	hostility	خشونت - خصومت
۱۰۸۸	incredibly	به گونه ای باور نکردنی
۱۰۸۹	ingredient	مورد - جزء - قلم
۱۰۹۰	intriguing	جذاب - جالب
۱۰۹۱	orient	جهت دادن - سوق دادن
۱۰۹۲	prime	عمده - اصلی
۱۰۹۳	purchase	خریدن
۱۰۹۴	retain	نگه داشتن - حفظ کردن
۱۰۹۵	resolution	قطعنامه - اعلانیه
۱۰۹۶	step	اقدام
۱۰۹۷	according to	مطابق - بر طبق
۱۰۹۸	collide	برخورد کردن
۱۰۹۹	constrain	محدود کردن
۱۱۰۰	establish	تاسیس کردن - بنیان نهادن
۱۱۰۱	indigenous	بومی - محلی
۱۱۰۲	inhabit	سکونت داشتن - اقامت داشتن
۱۱۰۳	moody	دمدمی مزاج - متغیر
۱۱۰۴	notion	اندیشه - فکر

۱۱۰۵	organization	سازماندهی - برنامه ریزی
۱۱۰۶	peak	اوج - نوک
۱۱۰۷	pedestal	پایه مجسمه - تندیس پایه
۱۱۰۸	prickle	آزار دادن - آزار
۱۱۰۹	universally	در سراسر دنیا - همه جا
۱۱۱۰	valid	معتبر - موثق
۱۱۱۱	variation	تغییر
۱۱۱۲	ailment	بیماری
۱۱۱۳	attribute	خصلت - ویژگی
۱۱۱۴	elucidate	توضیح دادن - روشن کردن
۱۱۱۵	homage	احترام
۱۱۱۶	mend	تعمیر کردن - ترمیم کردن
۱۱۱۷	mutation	جهش - دگرگونی
۱۱۱۸	nibble	گاز زدن
۱۱۱۹	notorious	بدنام
۱۱۲۰	renowned	معروف - مشهور
۱۱۲۱	spearhead	پیشگام بودن - هدایت کردن
۱۱۲۲	temperate	ملایم - معتدل
۱۱۲۳	twirl	چرخاندن - چرخیدن
۱۱۲۴	vacuous	بی معنی - تهی
۱۱۲۵	valiant	جسورانه - متهورانه - شجاع
۱۱۲۶	vanquish	مغلوب ساختن
۱۱۲۷	abundant	فراوان
۱۱۲۸	associate	معاشرت کردن
۱۱۲۹	assuage	تسکین دادن - آرام کردن
۱۱۳۰	canal	کانال - آبراه
۱۱۳۱	inspect	بررسی کردن
۱۱۳۲	intrepid	بی باک - متهور
۱۱۳۳	metaphor	استعاره
۱۱۳۴	scrutiny	بررسی - کنکاش
۱۱۳۵	serve	عمل کردن - بکار رفتن
۱۱۳۶	trace	ردپا - نشانه
۱۱۳۷	treacherous	خطرناک
۱۱۳۸	usurp	اشغال کردن - غصب کردن
۱۱۳۹	urge	محرک - انگیزه
۱۱۴۰	utilization	کاربرد - استفاده
۱۱۴۱	vitality	شادابی - انرژی - نیرو
۱۱۴۲	appreciable	قابل ملاحظه - قابل توجه
۱۱۴۳	device	ابزار - وسیله
۱۱۴۴	exceed	تجاوز کردن از
۱۱۴۵	foster	رواج دادن - بوجود آوردن
۱۱۴۶	largely	اصولا - عمدتا
۱۱۴۷	origin	خاستگاه - منشا

۱۱۴۸	repulse	دفع کردن
۱۱۴۹	reputable	معروف - معتبر
۱۱۵۰	sabotage	خسارت - خرابکاری
۱۱۵۱	serene	آرام
۱۱۵۲	stigma	ننگ - رسوایی - بی آبرویی
۱۱۵۳	temperament	خلق و خو - شخصیت
۱۱۵۴	unique	متمایز - منحصر بفرد
۱۱۵۵	wary	مراقب - دقیق
۱۱۵۶	whet	برانگیختن
۱۱۵۷	allocate	اختصاص دادن - تخصیص دادن
۱۱۵۸	analogy	همانندی - شباهت
۱۱۵۹	belligerent	خشن - نامهربانانه
۱۱۶۰	compulsory	اجباری - الزامی
۱۱۶۱	congestion	ازدحام - شلوغی
۱۱۶۲	determinant	عامل موثر - عامل تعیین کننده
۱۱۶۳	guarantee	ضمانت - تضمین
۱۱۶۴	illusion	باور نادرست
۱۱۶۵	inaugurate	معرفی کردن - افتتاح کردن
۱۱۶۶	interactive	تعاملی - تبادلی
۱۱۶۷	orbit	چرخیدن
۱۱۶۸	stalwart	تنومند - قوی - هیکل دار
۱۱۶۹	turmoil	آشفته‌گی - اغتشاش
۱۱۷۰	revere	تجلیل کردن از
۱۱۷۱	documentation	استناد
۱۱۷۲	atop	بر فراز - بالای
۱۱۷۳	bail	وثیقه
۱۱۷۴	bearing	تأثیر
۱۱۷۵	congested	شلوغ - پر ازدحام
۱۱۷۶	deliberately	عمدا
۱۱۷۷	enterprise	پروژه ی تجاری
۱۱۷۸	fascinate	مجدوب کردن - شیفته کردن
۱۱۷۹	hilarious	خنده دار
۱۱۸۰	induce	متقاعد کردن
۱۱۸۱	mask	پنهان کردن - کتمان کردن
۱۱۸۲	morsel	لقمه
۱۱۸۳	oblivious	غافل - ناآگاه
۱۱۸۴	squash	له کردن - صاف کردن
۱۱۸۵	substance	ماده
۱۱۸۶	token	مظهر - نشانه
۱۱۸۷	absorb	جذب کردن
۱۱۸۸	audacious	بی پروا - بی باک - متهور
۱۱۸۹	barren	عقیم - نازا
۱۱۹۰	consequence	نتیجه - پیامد

۱۱۹۱	dominant	اصلی - عمده - برجسته
۱۱۹۲	exacting	دقیق - سخت گیر
۱۱۹۳	fluffy	پفکی - پف دار
۱۱۹۴	greatly	بسیار زیاد
۱۱۹۵	outrageous	اهانت آمیز
۱۱۹۶	plump	تپلی - چاق و چله
۱۱۹۷	pool	سهیم شدن - یک کاسه شدن
۱۱۹۸	respond	پاسخ دادن
۱۱۹۹	symptom	نشانه - علامت
۱۲۰۰	time	زمان - عصر - دوره
۱۲۰۱	torrential	سیل آسا - سنگین
۱۲۰۲	ancestors	اجداد - نیاکان
۱۲۰۳	artifact	آثار دستی
۱۲۰۴	calling	حرفه - شغل
۱۲۰۵	crest	تاج - نوک
۱۲۰۶	deck	تزیین کردن
۱۲۰۷	emotion	احساس
۱۲۰۸	estimated	تقریبی
۱۲۰۹	intricate	پیچیده
۱۲۱۰	locale	صحنه - مکان
۱۲۱۱	obstinate	سرسخت - کله شق
۱۲۱۲	onset	شروع - آغاز
۱۲۱۳	palatable	لذیذ - خوشمزه - مطبوع
۱۲۱۴	principle	قانون - اصل
۱۲۱۵	stay	ماندن
۱۲۱۶	synopsis	خلاصه - چکیده - فشرده
۱۲۱۷	compile	تدوین کردن - جمع آوری کردن
۱۲۱۸	concentration	تجمع - تمرکز
۱۲۱۹	cruel	خشن - بی رحم
۱۲۲۰	damage	خسارت - صدمه - آسیب
۱۲۲۱	deduce	استنتاج کردن - نتیجه گرفتن
۱۲۲۲	deft	متبحر - ماهر
۱۲۲۳	designate	مشخص کردن
۱۲۲۴	dwarf	کوتوله - کوچک - کوچولو
۱۲۲۵	embark	دست بکار شدن - شروع کردن
۱۲۲۶	exonerate	تبرئه کردن
۱۲۲۷	expulsion	اخراج
۱۲۲۸	instigate	به راه انداختن - باعث شدن
۱۲۲۹	potential	امکان
۱۲۳۰	provided	به شرطی که - اگر
۱۲۳۱	striking	قابل ملاحظه - چشمگیر
۱۲۳۲	accord	دادن - اعطا کردن
۱۲۳۳	common	عادی - طبیعی - معمولی

۱۲۳۴	contours	فضای بیرون - نمای بیرونی
۱۲۳۵	elegant	مد - مد روز
۱۲۳۶	emblem	مظهر - نماد - نشانه
۱۲۳۷	envious	حسود - غبطه خور
۱۲۳۸	ferocious	خشن - وحشی
۱۲۳۹	flair	مهارت - استعداد
۱۲۴۰	fuel	تحریک کردن - باعث شدن
۱۲۴۱	fugitive	متواری - فراری
۱۲۴۲	intermittent	ادواری - متناوب
۱۲۴۳	mandatory	ضروری - لازم - اجباری
۱۲۴۴	originate	شروع شدن - نشات گرفتن
۱۲۴۵	restoration	بازسازی - نوسازی
۱۲۴۶	tame	رام کردن - اهلی کردن
۱۲۴۷	asymmetrical	نامتوازن - نامتقارن
۱۲۴۸	ban	ممنوع کردن - قدغن کردن
۱۲۴۹	derogatory	انتقاد آمیز - خفت بار
۱۲۵۰	detain	بازداشت کردن
۱۲۵۱	essentially	اصولا - اساسا
۱۲۵۲	expire	به سر آمدن - به پایان رسیدن
۱۲۵۳	heterogeneous	ناهمگون - متنوع
۱۲۵۴	inhale	نفس کشیدن - استنشاق کردن
۱۲۵۵	numerous	فراوان - بی شمار - متعدد
۱۲۵۶	objection	مخالفت - اعتراض
۱۲۵۷	primitive	ساده - اولیه - بدوی
۱۲۵۸	runaway	افسار گسیخته
۱۲۵۹	stun	از حرکت انداختن - بی حرکت کردن
۱۲۶۰	symbolize	نشان دادن - نماد چیزی بودن
۱۲۶۱	turn	تبدیل شدن
۱۲۶۲	access	راهیابی - دستیابی
۱۲۶۳	adversely	بطرز سوء
۱۲۶۴	current	حاضر - فعلی
۱۲۶۵	derive	کسب کردن - بدست آوردن
۱۲۶۶	fabulous	معرکه - عالی - بسیار خوب
۱۲۶۷	feature	ویژگی - خصلت
۱۲۶۸	fragmented	تکه پاره - تکه تکه
۱۲۶۹	grieve	غصه دار بودن - ماتم گرفتن
۱۲۷۰	hardly	بندرت
۱۲۷۱	mount	صعود کردن - بالا رفتن
۱۲۷۲	nominal	ناچیز - کم - جزئی
۱۲۷۳	obscure	مرموز - مبهم
۱۲۷۴	ornament	آراسته کردن - تزئین کردن
۱۲۷۵	sophisticated	غامص - پیچیده
۱۲۷۶	strain	نوع - گونه

۱۲۷۷	appall	مبهوت ساختن - تکان دادن
۱۲۷۸	bond	رابطه - ارتباط
۱۲۷۹	disrupt	به هم زدن - مختل کردن
۱۲۸۰	ephemeral	بی دوام - گذرا - زود گذر
۱۲۸۱	extinct	ناپدید - از بین رفته - نابود
۱۲۸۲	expose	افشاء کردن - پرده برداشتن از
۱۲۸۳	faction	حزب - گروه
۱۲۸۴	forbears	نیاکان - اجداد
۱۲۸۵	glimmer	درخشیدن
۱۲۸۶	incessantly	مدام - دائم
۱۲۸۷	jeer	هو کردن - مسخره کردن
۱۲۸۸	kidnap	ربودن - دور کردن
۱۲۸۹	sinuous	پر پیچ و خم - مارپیچ
۱۲۹۰	stun	متحیر ساختن - مبهوت کردن
۱۲۹۱	valued	عزیز - با ارزش
۱۲۹۲	auction	مزایده - حراج
۱۲۹۳	cessation	توقف - وقفه - مکث
۱۲۹۴	cite	اشاره کردن به - ذکر کردن
۱۲۹۵	discord	ناسازگاری - بحث
۱۲۹۶	exalted	عالی - متعالی
۱۲۹۷	forge	جعل کردن
۱۲۹۸	fraud	حقه - کلک - کلاه برداری
۱۲۹۹	fundamentally	اصولا - اساسا
۱۳۰۰	isolate	جدا کردن
۱۳۰۱	jam	بند آوردن - ازدحام کردن
۱۳۰۲	kernel	مغز - هسته
۱۳۰۳	martial	نظامی
۱۳۰۴	oversee	نظارت کردن بر
۱۳۰۵	stylish	مد روز - شیک
۱۳۰۶	suffocate	خفه کردن
۱۳۰۷	abhorrent	تنفر آمیز
۱۳۰۸	amass	جمع کردن - گردآوری کردن
۱۳۰۹	cleanse	پاک ساختن - تطهیر کردن
۱۳۱۰	dismal	دلگیر - غم انگیز
۱۳۱۱	dissuade	منصرف کردن - باز داشتن
۱۳۱۲	emit	تولید کردن - بیرون دادن
۱۳۱۳	fragile	شکونده
۱۳۱۴	furthermore	بعلاوه
۱۳۱۵	germinate	رشد کردن
۱۳۱۶	implication	تداعی - اشاره
۱۳۱۷	jovial	شاد
۱۳۱۸	legislate	به تصویب رساندن
۱۳۱۹	lucid	قابل فهم - روشن

۱۳۲۰	novice	نوآموز - تازه کار - مبتدی
۱۳۲۱	strike	اصابت کردن به - برخورد کردن به
۱۳۲۲	adopt	برگزیدن
۱۳۲۳	blend	آمیزه - تلفیق - ترکیب
۱۳۲۴	cryptic	مبهم - سری - مرموز
۱۳۲۵	devise	خلق کردن - ابداع کردن
۱۳۲۶	evaporate	محو شدن - ناپدید شدن
۱۳۲۷	exploit	سوء استفاده کردن از
۱۳۲۸	fleeting	ناپایدار - گذرا
۱۳۲۹	keen	قوی - دقیق
۱۳۳۰	morale	روحیه
۱۳۳۱	norm	هنجار - ضابطه - قرارداد
۱۳۳۲	practicable	ممکن - عملی
۱۳۳۳	prolific	پر کار - پر اثر - پر تلاش
۱۳۳۴	slip	خطا - لغزش
۱۳۳۵	teem	مملو بودن از
۱۳۳۶	unanimous	هم رای - هم نظر
۱۳۳۷	bonanza	ترقی - رونق
۱۳۳۸	conspicuous	آشکار - مشخص - تو چشم
۱۳۳۹	contemplate	تعمق کردن - تأمل کردن
۱۳۴۰	deranged	آشفته عقل - پریشان حواس
۱۳۴۱	deplore	محکوم کردن - تقبیح کردن
۱۳۴۲	enthrall	مسحور کردن - شیفته کردن
۱۳۴۳	exorbitant	بیش از حد
۱۳۴۴	expel	اخراج کردن
۱۳۴۵	extraneous	نامربوط - بی ربط
۱۳۴۶	foster	پرورش دادن - بزرگ کردن
۱۳۴۷	miraculous	اعجاز آمیز - معجزه آسا
۱۳۴۸	misdemeanor	خطا کاری
۱۳۴۹	peculiarly	بطرز عجیبی
۱۳۵۰	securities	اوراق مشارکت
۱۳۵۱	standard	معمول - مرسوم - متعارف
۱۳۵۲	accord	توافق نامه - موافقت نامه
۱۳۵۳	aid	یاری - کمک
۱۳۵۴	coagulate	لخته شدن - سفت شدن
۱۳۵۵	ensue	نشأت گرفتن - پدید آمدن
۱۳۵۶	novel	تازه - جدید
۱۳۵۷	obese	چاق
۱۳۵۸	obliterate	از بین بردن - نابود کردن
۱۳۵۹	predator	جانور شکاری
۱۳۶۰	praise	تحسین کردن - ستودن
۱۳۶۱	retroactive	عطف به ما سبق
۱۳۶۲	spawn	آفریدن - تولید مثل کردن

۱۳۶۳	stretch	امتداد دادن - کشیدن
۱۳۶۴	substantially	به میزان قابل ملاحظه ای
۱۳۶۵	tan	برنزه کردن - برنزه شدن
۱۳۶۶	wriggle	وول خوردن
۱۳۶۷	accomplished	ماهر - متبحر
۱۳۶۸	assume	تصور کردن
۱۳۶۹	being	موجود - موجود زنده
۱۳۷۰	beyond	فرا تر از - خارج از
۱۳۷۱	boon	نعمت - موهبت
۱۳۷۲	colossal	بزرگ - عظیم
۱۳۷۳	compound	ترکیب
۱۳۷۴	considerable	مهم - قابل ملاحظه
۱۳۷۵	deliberation	تامل - تفکر
۱۳۷۶	pluck	چیدن
۱۳۷۷	primarily	اصولا - اساسا
۱۳۷۸	resources	منابع - مواد
۱۳۷۹	sentimentality	احساس
۱۳۸۰	specific	مشخص - ویژه - خاص
۱۳۸۱	squeeze	فشردن - فشرده کردن
۱۳۸۲	bias	تبعیض - جانبداری
۱۳۸۳	butt	مضحکه - مایه خنده - آماج
۱۳۸۴	concept	مفهوم
۱۳۸۵	deity	خدا
۱۳۸۶	facile	بی محتوا - سطحی
۱۳۸۷	fissure	درز - شکاف - ترک
۱۳۸۸	gainsay	رد کردن - انکار کردن
۱۳۸۹	harbinger	منادی - پیام آور
۱۳۹۰	haughty	متکبرانه - مغرور - متکبر
۱۳۹۱	invoke	استناد کردن به - متوسل شدن به
۱۳۹۲	impotent	عاجز - ناتوان
۱۳۹۳	jaundiced	بدبینانه - مغرضانه
۱۳۹۴	lance	سوراخ کردن
۱۳۹۵	maroon	رها کردن - تنها گذاشتن
۱۳۹۶	pitfall	خطر - دشواری
۱۳۹۷	brainstorm	فکر بکر
۱۳۹۸	component	جزء - بخش
۱۳۹۹	contrast	مقایسه کردن
۱۴۰۰	decrease	کم شدن - کاهش یافتن
۱۴۰۱	engender	ایجاد کردن - بوجود آوردن
۱۴۰۲	erosion	زوال - فرسایش
۱۴۰۳	fractious	شیطان - تخس
۱۴۰۴	garner	جمع آوری کردن - گردآوری کردن
۱۴۰۵	genre	گونه - نوع

۱۴۰۶	hamper	مانع شدن - کند کردن
۱۴۰۷	incongruous	بی مناسبت - ناهماهنگ
۱۴۰۸	intervene	دخالت کردن - مداخله کردن
۱۴۰۹	noxious	مضر
۱۴۱۰	oblique	نامشخص - مبهم
۱۴۱۱	primeval	اولیه
۱۴۱۲	blunt	صاف و صادق - رک - صریح
۱۴۱۳	conclusive	مسلم - قطعی
۱۴۱۴	confront	مقابله کردن - برخورد کردن
۱۴۱۵	diction	بیان
۱۴۱۶	essay	مقاله - انشاء
۱۴۱۷	fraction	مقدار کم - بخش کوچک
۱۴۱۸	giggle	هرهر خندیدن
۱۴۱۹	hearsay	شایعه
۱۴۲۰	infer	نتیجه گرفتن - استنتاج کردن
۱۴۲۱	parody	مسخره کردن - تقلید کردن
۱۴۲۲	quandary	دوراهی - تردید
۱۴۲۳	redundant	اضافی - غیر ضروری
۱۴۲۴	strangulate	خفه کردن
۱۴۲۵	warp	کج و معوج - پیچاندن
۱۴۲۶	wretched	نکبت بار - فلاکت بار
۱۴۲۷	adjacent	بغل - همجواری - مجاور
۱۴۲۸	foolproof	قابل اعتماد
۱۴۲۹	germane	مربوط - مرتبط
۱۴۳۰	gravity	جدیت - اهمیت
۱۴۳۱	lethargic	تنبل - کسل
۱۴۳۲	mercilessly	با بی رحمی - بیرحمانه
۱۴۳۳	ominous	شوم - تهدید آمیز
۱۴۳۴	peruse	خواندن
۱۴۳۵	proclaim	اعلان کردن - اعلام کردن
۱۴۳۶	rapproach	رابطه - دوستانه
۱۴۳۷	rebuke	توبیخ کردن - سرزنش کردن
۱۴۳۸	sardonic	تحقیر آمیز - تمسخر آمیز
۱۴۳۹	trait	خصلت - ویژگی
۱۴۴۰	vista	منظره - چشم انداز
۱۴۴۱	woo	خواستگاری کردن - اظهار عشق کردن
۱۴۴۲	arbitrarily	تصادفی - بدون برنامه ریزی
۱۴۴۳	charm	مجدوب کردن - شیفته کردن
۱۴۴۴	coerce	وادار کردن - مجبور کردن
۱۴۴۵	cognizant	آگاه
۱۴۴۶	discreet	ملاحظه کار - محتاط
۱۴۴۷	legacy	ارث - میراث
۱۴۴۸	lenient	مهربان - رئوف

۱۴۴۹	mutter	من من کردن - زیر لب حرف زدن
۱۴۵۰	nurture	پرورش دادن - بزرگ کردن
۱۴۵۱	obstacle	گیر - مانع
۱۴۵۲	pervade	پراکنده شدن - پخش شدن در - نفوذ کردن در
۱۴۵۳	pivotal	حیاتی - ضروری - اساسی - محوری
۱۴۵۴	recollection	خاطره
۱۴۵۵	stifle	خفه کردن
۱۴۵۶	wade	به آب زدن
۱۴۵۷	anarchy	هرج و مرج - بی قانونی
۱۴۵۸	eventually	سرانجام - در نهایت
۱۴۵۹	huddle	گرد آمدن - جمع شدن
۱۴۶۰	knack	مهارت - قلق
۱۴۶۱	ludicrous	مسخره - مضحک
۱۴۶۲	ostracize	کنار گذاشتن - طرد کردن
۱۴۶۳	plagiarize	سرقت کردن - سرقت ادبی
۱۴۶۴	rarely	به ندرت
۱۴۶۵	recalcitrant	نافرمان - کله شق
۱۴۶۶	repudiate	رد کردن - انکار کردن
۱۴۶۷	rustic	روستایی - ساده
۱۴۶۸	strife	درگیری - نزاع
۱۴۶۹	surge	پیش رفتن - به جلو رفتن
۱۴۷۰	symmetrical	متوازن - متقارن
۱۴۷۱	wit	شوخی - شوخ طبعی
۱۴۷۲	anonymous	بی نام و نشان
۱۴۷۳	anthology	مجموعه - گلچین
۱۴۷۴	ballad	داستان منظوم - آواز
۱۴۷۵	cogent	قوی
۱۴۷۶	countless	بی شمار
۱۴۷۷	debate	مورد بحث قرار دادن
۱۴۷۸	discrete	مجزا - بی ربط - گسسته
۱۴۷۹	disparage	ناچیز پنداشتن - دست کم گرفتن
۱۴۸۰	faked	ساختگی - قلابی - جعلی
۱۴۸۱	hazy	مردد - نامطمئن
۱۴۸۲	heinous	وقیح - فجیح
۱۴۸۳	hoist	بر افراشتن - به اهتزاز در آوردن
۱۴۸۴	morsel	مقدار کم
۱۴۸۵	proponent	طرفدار - حامی
۱۴۸۶	rotate	چرخیدن
۱۴۸۷	accuracy	دقت - صحت
۱۴۸۸	adapt	عادت کردن - خو گرفتن
۱۴۸۹	compliment	ستودن - تحسین کردن
۱۴۹۰	confound	گیج و مبهوت کردن
۱۴۹۱	elementally	اصولا - اساسا

۱۴۹۲	eruption	فوران
۱۴۹۳	extinction	انقراض - نابودی
۱۴۹۴	flood	سیل - تعداد زیاد
۱۴۹۵	impact	تاثیر
۱۴۹۶	infinitesimal	بسیار کم - بسیار ریز
۱۴۹۷	lucidity	وضوح - صراحت
۱۴۹۸	march	پیشروی کردن
۱۴۹۹	plunge	پایین رفتن - کاهش یافتن
۱۵۰۰	sustain	نگه داشتن - تحمل کردن
۱۵۰۱	unleash	رها کردن
۱۵۰۲	approximate	نزدیک شدن به
۱۵۰۳	boost	افزایش دادن
۱۵۰۴	conserve	نگه داشتن - ذخیره کردن
۱۵۰۵	consequently	در نتیجه
۱۵۰۶	detectable	آشکار - مشهود
۱۵۰۷	expeditiously	بسرعت
۱۵۰۸	implement	انجام دادن - اجرا کردن
۱۵۰۹	inhibit	مانع شدن - جلوگیری کردن از
۱۵۱۰	inviting	جذاب
۱۵۱۱	magnify	تشدید کردن
۱۵۱۲	pore	منفذ - سوراخ - حفره
۱۵۱۳	role	نقش
۱۵۱۴	skid	لغزیدن - لیز خوردن
۱۵۱۵	witness	مشاهده کردن - شاهد بودن
۱۵۱۶	yield	ارائه کردن
۱۵۱۷	constitute	تشکیل دادن
۱۵۱۸	correspondingly	به همان اندازه - به همان نسبت
۱۵۱۹	consolidate	یکی کردن - ادغام کردن
۱۵۲۰	domain	ناحیه - قلمرو
۱۵۲۱	excavate	حفر کردن
۱۵۲۲	facilitate	تسهیل کردن
۱۵۲۳	grasp	درک - فهم
۱۵۲۴	hallmark	ویژگی - خصوصیت
۱۵۲۵	incorporate	ترکیب کردن
۱۵۲۶	pit	گودال - حفره
۱۵۲۷	prevent	پیشگیری کردن
۱۵۲۸	prototype	مدل - نمونه
۱۵۲۹	raise	بزرگ کردن
۱۵۳۰	readily	براحتی
۱۵۳۱	viable	عملی - کاربردی
۱۵۳۲	aesthetically	از نظر هنری
۱۵۳۳	bind	بستن
۱۵۳۴	devote	اختصاص دادن

۱۵۳۵	diffuse	پخش شدن - منتشر شدن
۱۵۳۶	dispute	بحث
۱۵۳۷	enable	قادر ساختن
۱۵۳۸	feed	قرار دادن - خوراندن
۱۵۳۹	gap	درز - روزنه - شکاف
۱۵۴۰	mundane	معمولی - پیش پا افتاده
۱۵۴۱	indulge	مشارکت کردن
۱۵۴۲	lavish	وافر - فراوان
۱۵۴۳	refreshing	عجیب - غیر معمول
۱۵۴۴	rupture	ترکیدن - منفجر شدن
۱۵۴۵	snap	پاره شدن - شکسته شدن
۱۵۴۶	story	طبقه
۱۵۴۷	discard	دور انداختن - رها شدن از
۱۵۴۸	employ	به کار بردن - استفاده کردن از
۱۵۴۹	herald	اعلام کردن - منادی چیزی بودن
۱۵۵۰	major	اصلی - عمده
۱۵۵۱	obvious	آشکار - هویدا
۱۵۵۲	position	کار - موقعیت
۱۵۵۳	precise	دقیق
۱۵۵۴	skepticism	شک - تردید
۱۵۵۵	subsidy	یارانه
۱۵۵۶	suffrage	حق رای
۱۵۵۷	superfluous	اضافی - غیر ضروری
۱۵۵۸	surreptitious	دزدکی - پنهانی - مخفیانه
۱۵۵۹	tantamount	برابر - معادل
۱۵۶۰	terse	موجز - مختصر و مفید - کوتاه
۱۵۶۱	thesis	اندیشه اصلی - تز - خط فکری
۱۵۶۲	allay	تسکین دادن - کاهش دادن
۱۵۶۳	cross	ناراحت - عصبانی
۱۵۶۴	foremost	مهمترین - سرشناس ترین - اول
۱۵۶۵	homogeneity	همگونی - یکسانی
۱۵۶۶	perishable	فاسد شدنی
۱۵۶۷	permeate	نفوذ کردن به - فرا گرفتن
۱۵۶۸	spot	تشخیص دادن - یافتن
۱۵۶۹	testimony	شواهد - مدارک
۱۵۷۰	transient	ناپایدار - گذرا
۱۵۷۱	ultra	فوق العاده - بسیار
۱۵۷۲	vapid	کسل کننده - خسته کننده
۱۵۷۳	venerate	تکریم کردن - تجلیل کردن از
۱۵۷۴	void	باطل کردن - بی اعتبار خواندن
۱۵۷۵	willful	یک دنده - کله شق
۱۵۷۶	wistful	غم زده - حسرت بار
۱۵۷۷	affront	توهین - اهانت

۱۵۷۸	depict	مجسم کردن - نشان دادن
۱۵۷۹	endless	مدام - بی پایان
۱۵۸۰	evolution	پیدایش - تکامل
۱۵۸۱	forage	دنبال چیزی گشتن
۱۵۸۲	furnish	فراهم کردن - ارائه کردن
۱۵۸۳	momentarily	برای لحظه ای - برای مدت کوتاهی
۱۵۸۴	oscillate	نوسان داشتن
۱۵۸۵	partitioning	تجزیه - تقسیم
۱۵۸۶	picture	تصویر ذهنی - برداشت
۱۵۸۷	posterity	نسل های آینده - آیندگان
۱۵۸۸	postulate	تداعی کردن
۱۵۸۹	residents	ساکنین - افراد
۱۵۹۰	stunning	با هیبت - باشکوه - جذاب
۱۵۹۱	teeming	پر - آکنده - مملو
۱۵۹۲	demise	ارتحال - مرگ
۱۵۹۳	dissolve	منحل کردن - منحل شدن
۱۵۹۴	exceptional	استثنایی - عجیب - قابل ملاحظه
۱۵۹۵	finding	یافته - کشف
۱۵۹۶	graphic	مبسوط - مفصل - جامع - واضح
۱۵۹۷	grumble	غر زدن
۱۵۹۸	heart	مرکز - قلب - دل
۱۵۹۹	identical	مثل هم - یکسان - عین هم
۱۶۰۰	integral	اساسی - اصلی - ضروری
۱۶۰۱	mode	شیوه
۱۶۰۲	place	نهادن - قائل شدن
۱۶۰۳	revitalize	احیاء کردن
۱۶۰۴	sedentary	بصورت نشسته - بدون فعالیت
۱۶۰۵	sole	تنها
۱۶۰۶	undoubtedly	مطمئناً - بی شک - قطعاً
۱۶۰۷	accessible	قابل حصول - در دسترس
۱۶۰۸	administer	اداره کردن
۱۶۰۹	attain	دست یافتن به - رسیدن به
۱۶۱۰	float	شناور بودن
۱۶۱۱	functional	عملی - کاربردی
۱۶۱۲	ingenuity	خلاقیت - ابتکار - نبوغ
۱۶۱۳	intent	قصد - منظور - هدف
۱۶۱۴	note	پی بردن - مشاهده کردن - توجه کردن
۱۶۱۵	period	زمان - عصر - دوره
۱۶۱۶	periphery	کنار - حاشیه
۱۶۱۷	scarce	نادر - محدود - کمیاب
۱۶۱۸	sham	کذب - تظاهر
۱۶۱۹	scurry	مثل فرفره دویدن - هجوم بردن
۱۶۲۰	subject	در معرض چیزی قرار دادن

۱۶۲۱	vindicate	انتقام گرفتن
۱۶۲۲	attachment	وابستگی - تعلق خاطر
۱۶۲۳	control	مهار کردن - کنترل کردن
۱۶۲۴	fervor	شور و شوق
۱۶۲۵	gleam	درخشیدن - برق زدن
۱۶۲۶	illuminate	توضیح دادن - آشکار ساختن
۱۶۲۷	panorama	چشم انداز - دورنما - منظره
۱۶۲۸	panic	ترساندن
۱۶۲۹	petrify	هراساندن - به وحشت انداختن
۱۶۳۰	prerequisite	پیش نیاز - لازمه
۱۶۳۱	petty	خرد - جزئی - کم اهمیت - ناچیز
۱۶۳۲	prey	طعمه - شکار
۱۶۳۳	quay	بار انداز - اسکله - بندر
۱۶۳۴	spouse	همسر
۱۶۳۵	vocation	حرفه - شغل
۱۶۳۶	unwitting	بی خبر - نادانسته
۱۶۳۷	curb	مهار کردن - کنترل کردن
۱۶۳۸	deadly	مهلک - کشنده
۱۶۳۹	extricate	رها کردن - آزاد کردن
۱۶۴۰	judiciary	قوه قضائیه
۱۶۴۱	pilfer	ناخنک زدن - دزدی کردن
۱۶۴۲	postulate	فرضیه پردازی کردن
۱۶۴۳	primary	اصلی - عمده - مهم
۱۶۴۴	radiate	ساطع کردن
۱۶۴۵	remorse	افسوس - تاسف
۱۶۴۶	repress	فرونشاندن - سرکوب کردن
۱۶۴۷	rough	اولیه - خام
۱۶۴۸	subjugation	کنترل
۱۶۴۹	terrain	زمین
۱۶۵۰	withdrawal	عقب نشینی - دفع
۱۶۵۱	zeal	اشتیاق - شور و شوق
۱۶۵۲	earmark	اختصاص دادن
۱۶۵۳	embrace	در آغوش گرفتن
۱۶۵۴	multipurpose	چند منظوره - چند کاره
۱۶۵۵	pertain	ارتباط داشتن با
۱۶۵۶	product	ثمره - حاصل - نتیجه
۱۶۵۷	rough	تقریبی
۱۶۵۸	season	خوشمزه کردن - چاشنی زدن
۱۶۵۹	solely	فقط - تنها
۱۶۶۰	swirl	چرخ زدن
۱۶۶۱	thwart	دفع کردن - مانع شدن
۱۶۶۲	ulcer	جراحت - زخم
۱۶۶۳	vigorous	پر نیرو - نیرومندانانه - پر انرژی

۱۶۶۴	wheeze	سوت کشیدن - خس خس کردن
۱۶۶۵	whittle	تقلیل دادن - کاهش دادن
۱۶۶۶	wholesome	مفید
۱۶۶۷	cope	حریف شدن - مقابله کردن
۱۶۶۸	disorder	نابسامانی - اختلال - بیماری
۱۶۶۹	gamut	طیف - دامنه - گسترده
۱۶۷۰	ironic	غیر منتظره - عجیب
۱۶۷۱	keep	ادامه دادن
۱۶۷۲	moratorium	تعلق - توقف
۱۶۷۳	posture	حالت - وضعیت
۱۶۷۴	quench	فرونشاندن
۱۶۷۵	pessimistic	منفی
۱۶۷۶	recession	رکورد
۱۶۷۷	rectify	تصحیح کردن - اصلاح کردن
۱۶۷۸	revert	بازگشتن
۱۶۷۹	shatter	از بین بردن - متلاشی کردن
۱۶۸۰	shovel	انتقال دادن
۱۶۸۱	venerable	پیر - محترم - مقدس
۱۶۸۲	costume	لباس
۱۶۸۳	grant	دادن - اعطاء کردن
۱۶۸۴	harness	بکار بردن - مهار کردن
۱۶۸۵	laden	زیر بار
۱۶۸۶	laud	تحسین کردن - ستودن
۱۶۸۷	layout	طراحی
۱۶۸۸	legitimate	مشروع - قانونی
۱۶۸۹	litter	پخش و پلا کردن
۱۶۹۰	luscious	خوشمزه - رسیده - آبدار
۱۶۹۱	mortality	مرگ و میر
۱۶۹۲	munch	جویدن - گاز زدن
۱۶۹۳	nasty	ناخوشایند - بد
۱۶۹۴	quiver	لرزیدن
۱۶۹۵	rate	سرعت
۱۶۹۶	relative	نسبی
۱۶۹۷	conglomeration	ترکیب
۱۶۹۸	immerse	غوطه ور ساختن - زیر آب بردن
۱۶۹۹	impede	باز داشتن - مانع شدن
۱۷۰۰	implant	قرار دادن - جا دادن
۱۷۰۱	inflate	مبالغه کردن - غلو کردن
۱۷۰۲	jargon	زبان محلی
۱۷۰۳	jeopardize	به خطر انداختن
۱۷۰۴	jolly	با نشاط - شاد
۱۷۰۵	jubilant	شادمان - مشعوف
۱۷۰۶	judicious	عاقلانه - منطقی

۱۷۰۷	kindle	آتش زدن - روشن کردن
۱۷۰۸	lithe	انعطاف پذیر - نرم
۱۷۰۹	living	معاش - درآمد
۱۷۱۰	mechanism	روش - شیوه - متد
۱۷۱۱	unforeseen	پیش بینی نشده
۱۷۱۲	blubber	چربی
۱۷۱۳	close	پایان - انتها
۱۷۱۴	dearth	کمبود
۱۷۱۵	debris	آثار بازمانده
۱۷۱۶	fabrication	دروغ
۱۷۱۷	gabble	ورور کردن - بلغور کردن
۱۷۱۸	habitat	زیستگاه
۱۷۱۹	hybrid	نژاد دورگه
۱۷۲۰	inclement	نامساعد - بد
۱۷۲۱	pursue	تعقیب کردن - دنبال کردن
۱۷۲۲	ponderous	سنگین - ثقیل
۱۷۲۳	raging	غضبناک - خشمگین
۱۷۲۴	singular	برجسته - استثنائی
۱۷۲۵	gasp	نفس نفس زدن
۱۷۲۶	depreciate	افت کردن - کاهش یافتن
۱۷۲۷	destined	مقدر
۱۷۲۸	discharge	مرخص کردن
۱۷۲۹	disclose	افشاء کردن - برملا ساختن